

خلأ بازدارندگی

مهیار رحیمی فراهانی
دانشجوی علوم سیاسی

حوالی ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز سه شنبه چهارم آبان روند سوخت‌گیری خودروهای نقلیه به دلیل به وجود آمدن مشکلی سراسری در سامانه الکترونیکی نازل‌های سوخت کشور متوقف شد. این توقف موجب مختل شدن روال عادی زندگی مردم و بروز استرس و اضطراب در فضای جامعه شد. در همین حین در برخی از شهرهای کشور تابلوهای اطلاع‌رسانی راهنمایی و رانندگی هک شده و در آنها شعارهایی نظیر «بنزین ما کو؟» خطاب به رهبر انقلاب نمایش داده شد. همزمانی این دو اتفاق، حمله بیرونی به سامانه نازل‌های سوخت‌گیری را قوت بخشید. زمزمه‌ای که چند ساعت بعد از وقوع حادثه از صداوسیما تحت عنوان «احتمال حمله سایبری» تایید شد. البته شرح تغییر نحوه برخورد صداوسیما با این اتفاق نسبت به گذشته نکته قابل تاملی بود که از حوصله این متن خارج است.

روز بعد حادثه اما مقام‌های مسئول، حمله سایبری از جانب دشمن را تایید کردند. تایید تلخی که ذهن‌ها را به تنش‌های امنیتی ایران در دو سال اخیر سوق داد. دشمن با این تحلیل که جمهوری اسلامی ایران حتی به قصد دفاع و دادن پاسخ مناسب به دشمن هم وارد منازعه نخواهد شد اقدام به مختل کردن روند عادی زندگی مردم، ایجاد تنش در سطح جامعه و تشویش اذهان عمومی بر علیه حکومت کرد. اقدامی که در سطح بالایی به امنیت ملی ایران خدشه وارد نمود. اما چه شد که دشمن به این تحلیل رسید؟ [...]



ادامه در صفحه ۳



تجربه پندار

سیده نگار حسینی
دانشجوی علوم سیاسی

این تصورات در ذهن من دانشجوی نوورودی بود تا این که در یکی از گروه‌های دانشگاه یکی از دوستان ترم بالایی پیامی فرستاد با تیتیر **دوره پندار!**
رویای محقق شده با پندار:

این پیام توجه‌ام را جلب کرد. از اینکه بنا بود یک دوره دو روزه برای ورودی‌های جدید برگزار شود تا هم با محیط دانشگاه آشنا شوند و هم حس خوب دانشجویی را تجربه کنند بسیار خوشحال شدم. با راهنمایی و لطف دوستان ترم بالایی در این دوره شرکت کردم. [...]

ادامه در صفحه بعد

بعد از اعلام نتایج کنکور و قبولی در دانشگاه مورد علاقه‌ام یعنی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) مراحل ثبت‌نام را انجام دادم. از همان ابتدا سوالات متعددی مثل چگونگی برگزاری کلاس‌ها، شرایط محیط دانشگاه و اینکه آیا می‌شود روزی دانشگاه باز شود یا نه در ذهنم مطرح شد!
همه ما نوورودی‌ها به این فکر می‌کردیم که آیا ممکن است حتی به شکل کوتاهی هم شده کمی با محیط و دانشجویان و همکلاسی‌هایمان به صورت حضوری آشنا شویم؟



بازگشت به خط اصلی نماز جمعه!

صفحه دوم

جرم سیاسی در حقوق ایران

صفحه ۵

ارزیابی عملکرد تحولی صداوسیما

صفحه ۴

اندکی در باب «تسخیر لانه جاسوسی»

صفحه ۷

بررسی حقوقی کاپیتولاسیون در ایران

صفحه ۶

ادامه از صفحه اول [تجربه پندار]

ابتدا وارد سالن همایش دانشکده مدیریت و حسابداری شدیم. سالن بزرگی که دانشجویانی از رشته‌های مختلف که اکثراً ورودی‌های ۱۴۰۰ بودند در آنجا حاضر بودند. اساتید خبره‌ای آمدند و از موضوعات گوناگون صحبت کردند. از مبانی رشته‌های علوم انسانی گرفته تا ریشه مشکلات کشور که اتفاقاً با رشته من مرتبط بود حرف زده شد. علاوه بر موضوعاتی که هر استاد راجع به آن صحبت می‌کرد، مشارکت‌های دانشجویان در مباحث هم جالب بود، صادقانه بگویم از شنیدن نظراتشان و نحوه گفتگوی آنها واقعاً لذت بردم. حس می‌کردم شاید اینجا همان جایی است که باید دغدغه‌ها گفته شود و رسالت دانشجوی واقعی بودن را حس کنم!

مستندهای پخش شده هم بسیار مفید بود. مستند دیوانگی که روایت دیوانگی عجیب در قشر دانشجوی کشور بود و همه را به این فکر فرو برد که آیا دانشجوی شدن انتهای راه است یا آغاز یک راه جدید؟ اولین سوالی که از خودمان می‌پرسیدیم این بود که من دقیقاً باید کجای این جامعه باشم و دغدغه من دانشجوی چیست؟ بعد از اتمام کلاس‌ها فرصتی برای گشتن در محیط دانشگاه پیدا کردیم و به دانشکده‌ها، کتابخانه مرکزی و ساختمان‌های دیگر دانشگاه، از جمله دانشکده خودم یعنی دانشکده حقوق و علوم سیاسی سری زدیم که بسیار خوشایند و دل‌چسب بود. کمی در

محیط باز و سرسبز دانشکده با همکلاسی‌ها وقت گذراندیم. در نهایت به عنوان یادگاری با همکلاسی‌ها عکس یادگاری گرفتیم تا این روز به یاد ماندنی را ثبت کنیم. در آخر بگویم که دوره پندار برای من بسیار مفید و آموزنده بود. امیدوارم بسیج دانشجویی دانشگاه علامه باز هم مجری چنین دوره‌های آموزنده و مفیدی برای دانشجویان به خصوص نوروودی‌هایی که به دلیل کرونا نمی‌توانند در محیط دانشگاه حاضر شوند باشد. قطعاً چنین دوره‌هایی بستر مناسبی را فراهم می‌کند تا بتوانیم استعداد‌های خود را شناسایی کرده و از آن در زمینه‌های درست بهره‌برداری کنیم.

سرمقاله

بازگشت به خط اصلی نماز جمعه!

اخیراً برکناری امام جمعه لواسان و اتفاقات رخ داده در رابطه با برخی از ائمه جمعه در سطح کشور و در ادامه سخنان حجت‌السلام حاج علی‌اکبری رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور در خصوص عدالت، واکنش دانشجویان، طلاب، فعالان اجتماعی و اذهان عمومی را به همراه داشته است. در پی این اتفاقات عده‌ای این سیاست‌گذاری را در تناقض با مکتب امامین انقلاب دانستند. به همین دلیل در متن ذیل به شرح اهمیت نماز جمعه و جایگاه ائمه جمعه می‌پردازیم.

نماز جمعه در مکتب امامین انقلاب

احیای نماز جمعه از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی در ایران و کشورهای مسلمان است. امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله به اهمیت فوق‌العاده جایگاه سیاسی نماز جمعه اشاره کرده و تأکید می‌کنند که اسلام، دین سیاست است و هر کس خیال کند که اسلام منفک از سیاست است، جاهل بوده و از اسلام و سیاست اطلاع ندارد. این بیان واضح و قاطع حضرت امام (ره) از چندین نظر دارای اهمیت است ولی به شکل ویژه در احیای نماز جمعه به عنوان تجلی ترکیب اسلام و سیاست نقش

فوق‌العاده مهمی داشته است.

امام (ره) در کلام خود به ده ویژگی ائمه جمعه که شامل: حفظ زی‌طلبگی و ساده‌زیستی، حفظ اسلام و انقلاب، پرهیز از اعمال خلاف، تهذیب نفس، روشنگری، حس‌پدیری داشتن نسبت به مردم، حفظ آرامش در کشور، پرهیز از اهانت و کشف ستر مومن، نظر کردن با عطفوت به مردم و مسئولان و دو دستور کتبی جداگانه اشاره می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در صحبت‌هایی فرمودند که نماز جمعه یک واجب سمبلیک است، یک سمبل و رمز است، اولاً نماز است و ذکر خداست. ثانیاً سلاح است، حالت جنگیدن با دشمن خدا و با شیطان هاست. امام جمعه که رمز نماز جمعه است باید عصای خود را سلاحی قرار بدهد و در مقابل مردم بایستد و اساسی‌ترین، لازم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل را در اجتماعی بزرگ از زبانی ایمن و مورد اطمینان با مردم در میان بگذارد. همچنین ایشان در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور در سال ۹۴ نماز جمعه را قرارگاه تبیین می‌دانند و اشاره می‌کنند که نماز جمعه به دلیل محل اجتماع بودن می‌تواند بستری مناسب برای تبیین و

زهراسادات هاشمی‌نسب | دانشجوی علوم سیاسی

بیان حقیقت برای مردم باشد. در ادامه بیانات خود اضافه می‌کنند: «نماز جمعه قلب فرهنگی هر شهر است؛ مرکز فرهنگی هر شهر، نماز جمعه است؛ البته شرایطی دارد که حالا بعضی از اینها را عرض خواهیم کرد. جایی است که آنجا هدایت‌گری انجام می‌گیرد؛ من تأکید می‌کنم این هدایت‌گری صرفاً هدایت‌گری سیاسی نیست، هدایت‌گری سیاسی و فرهنگی است. ما گمان نکنیم که اگر فرض کنید در فلان مسئله‌ی سیاسی روز که محل ابتلاء هم هست، داد سخن دادیم و حرف زدیم و مطالب خودمان را با بیان شیوا بیان کردیم، قضیه تمام شد؛ نه، ما هدایت‌گری فرهنگی را از هدایت‌گری سیاسی بنیانی‌تر می‌دانیم؛ هدایت‌گری سیاسی خیلی لازم است و از آن نباید صرف نظر کرد، اما هدایت‌گری فرهنگی و فرهنگ مردم، اخلاق مردم {مهم‌تر است}».

در حال حاضر با توجه به وضعیت موجود در شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور و واکنش افراد از شهرهای مختلف شاهد فاصله زیادی تا وضعیت مطلوب و جایگاه واقعی نماز جمعه در جامعه هستیم که نیازمند تغییرات گفتمانی و شنیده شدن صدای مردم است. [...]

ادامه از صفحه اول [بازگشت به خط اصلی نماز جمعه!]

در مسیر تناقضات نماز جمعه

با توجه به صحبت‌های اخیر حجت‌السلام حاج علی اکبری ایشان مخالف عدالتخواهی مصداقی در نماز جمعه هستند. این مسئله با سخن امام (ره) در کتاب صحیفه در رابطه با شاخصه روشنگری امام جمعه در تناقض است. امام (ره) ائمه جمعه را هادی و روشنگر جامعه دانسته و در تبیین این وظیفه می‌فرماید: «باید خطیب، یک آدم روشن روشنگر باشد و مردم را به وظایف سیاسی خودشان، به وظایف اجتماعی خودشان، به وظایف فرهنگی خودشان آشنا بکند.»

با توجه به این بیانات، تنها در این صورت است که رابطه اعتمادسازی میان مردم و حکومت محقق می‌شود زیرا امام جمعه امتداد مدنی-اجتماعی دستگاه رهبری در بین مردم و لازمه حرکت مردم است. اگر امام جمعه در هر شهر صدای مردم نباشد و با فساد مبارزه نکند، اعتماد مردم نیز از بین رفته و نماز جمعه به جایگاه منفعل تبدیل خواهد شد و دست بازیگران و گروه‌های سیاسی برای سهم خواهی و ترویج فساد را بیشتر از پیش باز می‌کند.

باید دقت کرد که نماز جمعه تراز، نماز جمعه‌ای است که عدالتخواهی را گفتمان سازی کند و به مسئله محوری روی آورد. در سال‌های اخیر به وضوح شاهد عدم بیان گزارش‌گونه مسائل و راهبردهای مطرح شده از سوی رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه بوده‌ایم. در واقع جایگاه امام جمعه را به سخنران تقلیل دادیم در حالی که امام جمعه باید فضا را در شهر برای فعالیت و بُعد عملی این گفتمان‌ها آماده کند و در کنار جوانان و گروه‌های انقلابی به دنبال حل مسائل باشد و نقش راهنما را ایفا کند.

در میان تمام ماجراها و پرداختن به این مسائل باز هم آنچه جایز خالی است ورود ائمه جمعه و شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور به تبیین دغدغه‌های مردم و پاسخگویی به شبهات و مسائل روز کشور است. همچنین باید به این مسئله اشاره کرد که چرا صدای جوانان و تشکل‌های دانشجویی در سراسر کشور در رابطه با مسائل اخیر و اعتراضات و برخوردها در رابطه با ائمه جمعه در شهرهای مختلف برای شخص حجت‌السلام حاج علی اکبری که با شعار جوانگرایی شروع به کار کردند اهمیت

ندارد و پاسخگو نیستند؟

در آخر به صحبت‌های رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی می‌پردازیم: «اینکه ما اصرار داریم که با جوانها حرف بزنیم و بحث کنیم و از آنها بشنویم و چیزی به آنها عرض نکنیم، متأثر از یک پیش‌فرض قطعی است و آن پیش‌فرض این است که آینده در اختیار جوان‌ها و متعلق به این جوان‌ها است. شکی نیست که در آینده‌ی میان‌مدت، بعضاً در آینده‌ی کوتاه‌مدت، مسئولیت بسیاری از همین موضوعاتی را که امروز شما دارید مطرح می‌کنید، متوجه به شما جوان‌ها و مجموعه‌ی جوان‌هایی که امروز مخاطب این حرف‌ها هستند خواهد شد و مدیریت‌ها در اختیار آنها قرار خواهد گرفت و اداره‌ی کشور به دست آنها خواهد افتاد؛ در این تردیدی نیست. لذا است که بحث با جوان‌ها و صحبت با جوان‌ها و شنیدن از آنها و گفتن با آنها برای ما مهم است. هر کسی به آینده‌ی کشور علاقه‌مند است، ناگزیر بایستی به جوان‌ها کمک کند، برای اینکه بتوانند این آینده را به بهترین وجهی ان شاء الله بسازند.»

ادامه از صفحه اول [خلأ بازدارندگی]

به دی‌ماه سال ۱۳۹۸ بازگردیم. زمانی که سیگنال‌هایی در رده‌های تصمیم‌گیر نظام به آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن‌های درجه یک ایران داده شد که می‌توانند در کمال وقاحت و به شکل رسمی یکی از بلندپایه‌ترین مقام‌های نظامی ایران و به عبارت دیگر بزرگ‌ترین فرمانده مبارز بر علیه استکبار جهانی در سطح منطقه را به شکل فجیعی ترور کنند و هیچ‌گونه پاسخ درخور و متوازی را دریافت نکنند. تحلیلی که با بسنده کردن حمله موشکی از قبل اعلام شده ایران به ساختمان‌های خالی پایگاه نظامی آمریکا در عراق جامه واقعیت به تن کرد. تصمیم غلطی که آن روز دلسوزان این نظام مقدس از وقوع آن هراس داشتند و عده‌ای دیگر در رسانه‌های خود تحلیل‌های سراسر ترس را ذیل تیترهایی مانند: «تله تنش»، «بازی نکردن در زمین رژیم صهیونیستی»، «مانعت از جنگ»،

«صبر استراتژیک» و... ارائه کرده و به کرسی نشاندند. همان روزها هم گفته شد که اگر پاسخ ما به میزان کافی مناسب و هم‌سطح نباشد، در ادراک مقام‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی، مفهوم فقدان اراده جمهوری اسلامی ایران برای ورود به تنش بیشتر تقویت شده و نتیجه آن از بین رفتن بازدارندگی امنیتی ایران و تشدید روند ترور و خرابکاری در کشور است.

از آن موقع دو سال می‌گذرد و تجربه‌های به شدت ناگواری همچون ترور پدر صنعت هسته‌ای ایران شهید محسن فخری‌زاده و خرابکاری‌هایی در تأسیسات هسته‌ای و نفتی ایران و دیگر خرابکاری‌های این چنینی را تجربه کردیم و بر همگان ثابت شد ایجاد هزینه برای دشمن نه تنها تنش‌زانیست بلکه از وقوع مخاطرات بعدی جلوگیری می‌کند. البته که در زمان ترور شهید فخری‌زاده دوباره بحث انتقام سخت و متوازن

با عمل دشمن مطرح شد اما باز هم در محدوده شعار و لفظ باقی ماند.

با این وصف می‌توان گفت موضوع تعیین‌کننده در تامین امنیت و منافع ملی و پر کردن خلأ بازدارندگی کشوری ماه‌های آینده، واکنش جدی ایران به حمله سایبری به سامانه جایگاه‌های سوخت و تغییر این فهم است که تعرض به جمهوری اسلامی ایران برای معارض هزینه‌ای گزاف به همراه خواهد داشت. واکنش‌های جدی، بازدارنده و هزینه‌ساز برای طرف مقابل، توازن راهبردی را به نفع ایران تغییر خواهد داد؛ اما قبول هزینه در راستای تحلیل‌هایی که نسخه سکوت و تعویق پاسخ را تجویز می‌کند، خسارت‌های سنگین تری حتی نسبت به دو سال گذشته بر جمهوری اسلامی ایران وارد کرده و در بلندمدت امنیت و منافع ملی کشور را بیش از پیش با مخاطره مواجه می‌کند.

جرم سیاسی در حقوق ایران

ملیکا منصوری

دانشجوی ارشد حقوق خصوصی

دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی‌کننده طی قراری در این مورد اظهارنظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار، تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است. مرجع صالح برای رسیدگی به جرم سیاسی، طبق بند (ث) ماده (۳۰۲) و ماده (۳۰۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، رسیدگی به جرائم سیاسی در صلاحیت دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم است و طبق اصل (۱۶۸) قانون اساسی و ماده (۳۰۵) قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم سیاسی باید با حضور هیئت منصفه صورت گیرد.

با توجه به اینکه قانون‌گذار در ماده (۶) قانون جرم سیاسی، امتیازات ویژه‌ای مثل مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس، از مجرمان عادی و... را برای مجرمین سیاسی در نظر گرفته است، ایراد به سیاسی بودن جرم از سوی متهم بعید به نظر می‌رسد و فاقد ثمره است و شاید مطلوب قانون‌گذار این باشد که متهم نسبت به اتهام جرم سیاسی که از نحوه‌ی نگارش و محتوای سخنرانی وی ناشی شده است، حق اعتراض دارد و به این ترتیب الفاظ قانونگذار نیازمند بازنگری و اصلاح است.

بند دوم - عنصر مادی جرم

عنصر مادی جرم، آن قسمت از جرم است که عینیت دارد و قابل مشاهده است و در عالم خارج به وقوع می‌پیوندد. با مطالعه در پیشینه‌ی جرائم سیاسی می‌توان به این نتیجه رسید که اغلب مجرمان سیاسی با نشر و تبلیغ افکار آزادی‌خواهانه به مبارزه با نظام حکومتی می‌پرداختند و همیشه از طریق تفکر و اندیشه و انتشار آن، سعی در انتقاد از حکومت داشتند؛ بنابراین عنصر مادی جرم سیاسی، سخنرانی و تحریک مردم به وسیله‌ی نوشتن و نظایر آن است.

بند سوم - عنصر معنوی جرم

عنصر معنوی جرم، ناظر به داشتن سوءنیت و تفکر مجرمانه حین ارتکاب جرم عمدی و داشتن تقصیر جزایی در حین ارتکاب جرایم غیرعمدی است. تقصیر جزایی، طبق تبصره ماده (۱۴۵) قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. بی‌احتیاطی عبارت است از انجام آنچه نبایستی انجام می‌شده و بی‌مبالاتی عبارت است از ترک آنچه بایستی انجام می‌شده است.

جرم سیاسی یک جرم عمدی است؛ چون اصل بر عمدی بودن جرائم است و در واقع اصل بر آن است که جرائم در حالت عمدی، قابل مجازات هستند، مگر اینکه قانون‌گذار تصریح کرده باشد که جرمی در حالت غیرعمدی نیز قابل مجازات است. در رکن معنوی جرایم عمدی نیز سوءنیت به دو دسته تقسیم می‌شود که سوءنیت عام و سوءنیت خاص نام دارند. سوءنیت عام به معنای اراده در رفتار است که به معنی قصد فرد در توهین کردن یا افترا زدن و سایر رفتارهای مذکور در ماده (۲) قانون جرم سیاسی است و سوءنیت خاص این جرم، قصد براندازی یا قصد تخریب رهبران حکومت و رجال سیاسی است. طبق ماده (۱) قانون جرم سیاسی، این جرم مقید به انگیزه نیز می‌باشد که یکی از ارکان عنصر معنوی این جرم است و این جرم مقید به داشتن انگیزه‌ی اصلاح امور کشور است.

گفتار دوم: مرجع تشخیص جرم سیاسی

بر اساس ماده (۵) قانون جرم سیاسی، تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول

در هر جامعه‌ای ممکن است اشخاصی با انگیزه‌ی سیاسی و بهبود دادن به امور جامعه، مرتکب رفتارهایی شوند که به واسطه‌ی آن به حقوق جامعه و اشخاص تعدی و تجاوز نمایند که این نوع جرائم تحت عنوان جرائم سیاسی شناخته می‌شوند. در حقوق ایران، در سال ۱۳۹۵، قانونی تحت عنوان «قانون جرم سیاسی» مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.

در این نوشتار به بررسی عناصر جرم سیاسی و مرجع تشخیص جرم سیاسی پرداخته می‌شود.

گفتار اول: عناصر جرم سیاسی

بند نخست - عنصر قانونی جرم

ماده (۱) و (۲) قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵، عنصر قانونی جرم سیاسی را تشکیل می‌دهند.

بر اساس ماده (۱) قانون مازالذکر، هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهاد‌های سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.

همچنین بر اساس ماده (۲) قانون مازالذکر، جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف. توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان

ب. توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ. جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت. جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث. نشر اکاذیب

منابع و مأخذ

۱- قانون اساسی

۲- قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵

۳- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

۴- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲

۵- رشیدی، علی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی جرم سیاسی در حقوق ایران و فرانسه، www.adl-hami.blogfa.com، مراجعه در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۷

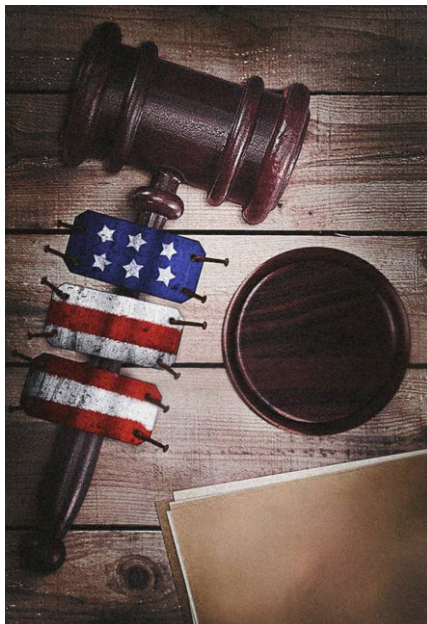
۶- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵)، از تعریف جرم سیاسی تا امتیازات مجرم سیاسی در دوران محکومیت

۷- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ چهل و سوم، تهران، انتشارات میزان

۸- زندیان، نهال (۱۳۹۸)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵، تهران، فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار

سیدرضا هاشمی
دانشجوی حقوق

بررسی حقوقی کاپیتولاسیون در ایران



نیافته را به دنبال روی از کشورهای مستکبر رهنمود می‌کند و از این طریق هویت ملی و فرهنگی آن‌ها را مختل کرده و در کنار آن، با استفاده از زمینه فرهنگی که به وجود آمده است، اهداف سیاسی و اقتصادی خود را پیش می‌برند و به نوعی همان اهداف کاپیتولاسیون محقق می‌شود.

همانگونه که به تفصیل بیان شد؛ هدف اصلی کاپیتولاسیون، در زمینه فرهنگی است و مستکبران در تلاش هستند تا در کشورها، فرهنگی را نهادینه کنند که به راحتی و بدون هیچگونه مقاومتی از سوی ملت آن کشور، بتوانند به اهداف اقتصادی و سیاسی خود برسند.

لازمهٔ مقابله با این جریان؛ همدلی ملت و مسئولان، افزایش اطلاعات اجتماعی و سیاسی توده افراد جامعه و ایجاد درک روشنی از شرایط کشور در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هست و در این مسیر رسانه‌ها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند که امید است رسالت خویش را به بهترین وجه انجام دهند و مانع تسلط امپراتوری رسانه‌ای قدرت‌های مستکبر بر اذهان ملت شوند.

دولت‌های استعماری همچون روسیه تزاری، انگلستان، فرانسه، سوئد، دانمارک، آمریکا و... اعمال شده و در دوره رژیم پهلوی شدت پیدا کرده بود که فجایع عینی گوناگونی را به دنبال داشت.

در دوره‌ی صفوی این سیاست رسمیت نداشت اما به گونه‌ای در ارتباط با اتباع کشورهای غربی در حال اجرا بود.

در دوره قاجار؛ پس از معاهدات ننگین ترکمنچای و پاریس با کشورهای روسیه تزاری و انگلستان، کاپیتولاسیون برای اتباع این کشورها به اجرا درآمد.

در دوران پهلوی نیز این سیاست به ویژه در ارتباط با اتباع آمریکایی تشدید شد.

روایت‌های گوناگونی از تحقیر ملت ایران در برابر اتباع آمریکایی در این دوران وجود دارد. به راستی این سخن که «سگ آمریکایی از شخص ایرانی برتر است» در این دوران نمود پیدا کرد.

مقصود مستکبران از اعمال این سیاست را می‌توان تحقیر ملت، ایجاد شکاف در جامعه و تشکیل جامعه نابرابر و استمرار روابط تجاری ناعادلانه و اسقرار نیروهای نظامی خود دانست.

همانگونه که در حال حاضر این رویه ناعادلانه و ضد انسانی را در برخی از کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه مانند افغانستان و عراق و... شاهد هستیم و تبعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مشخصاً اقتصادی آن آشکار است.

البته گاهی کاپیتولاسیون به صورت واضح و به شیوه سنتی آن اعمال نمی‌شود بلکه با برخی معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی تحت عنوان مشارکت‌های طولانی مدت و یا برنامه‌های بین‌المللی که ظاهراً با هدف توسعه‌ی کشورهای عقب افتاده ارائه می‌شود؛ اما در اصل صرفاً کشورهای توسعه

در ابتدا لازم است یاد و خاطره تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را در ۱۳ آبان ماه و روز مبارزه با استکبار جهانی را گرامی بداریم.

با نزدیک شدن به ۱۳ آبان ابعاد گوناگون استکبار جهانی که پرچم‌دار آن آمریکا و کشورهای اروپایی هستند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

قطعاً یکی از ابعاد این موضوع که بسیار قابل توجه و ملموس است؛ موضوع کاپیتولاسیون اتباع قدرت‌های استعماری در کشورهای در حال توسعه است که در این نوشتار توجه اصلی بر اعمال سیاست کاپیتولاسیون تمام‌اتباع آمریکایی در ایران پیش از انقلاب اسلامی است.

بهتر است در ابتدا تعریفی اجمالی و کوتاه از کاپیتولاسیون بیان کنیم تا به مراتب بعدی این سیاست و خصوصیات اجرایی و اهداف عینی و واقعی اعمال آن در ایران بپردازیم.

کاپیتولاسیون یا قضاوت سپاری از لحاظ لغوی به معنای سپردن حق رسیدگی قضایی به جرایم اتباع و شهروندان یک کشور خارجی به نماینده‌ی حقوقی آن کشور است که البته باید این نکته را در نظر گرفت که این سیاست با سند مصوب تحت عنوان کنوانسیون وین - که در ادامه توضیح داده می‌شود - متفاوت است.

کنوانسیون وین صرفاً جهت مصونیت قضایی دیپلمات‌ها و افراد خاصی از طرف دولت خارجی است که در جهت بهبود روابط کشورها با یکدیگر تصویب و اجرا می‌شود اما کاپیتولاسیون محدود و منحصر به دیپلمات‌ها نیست بلکه شامل تمامی اتباع خارجی ساکن در کشور هستند که در نگاه نخست بسیار غیرمنطقی و ناعادلانه است. این سیاست سلطه‌گرانه در حکومت‌های قبل از جمهوری اسلامی مانند صفویه، قاجاریه و پهلوی در کشورمان ایران، از سوی

اندکی درباب «تسخیر لانه جاسوسی»

امیرعلی سلمانی علائی
دانشجوی علوم سیاسی

سفارت بوده و در جلویی برای مراجعه مردم. درکنار درها مجسمه‌هایی از نماد کاریکاتوری مجسمه آزادی و دیپلمات‌های دستگیر شده آمریکایی دیده می‌شود و تصاویر منتشر شده از انقلاب دوم و تجمع دانشجویان برای تسخیر لانه جاسوسی را تداعی می‌کند.

در ساعت ۱۱ پیش از ظهر گروهی از تظاهرات کنندگان وارد محوطه سفارت شده اند و به طرف درب ورودی طبقه پایین دفترخانه پیشروی کردند. تمام پرسنل در طبقه بالا هستند، تفنگداران دریایی در طبقه پایین برای متفرق ساختن تظاهرات کنندگان از گاز اشک آور استفاده می‌کنند. (مجموعه اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱، ص ۴۷۲)

در روزهای ابتدایی پس از تسخیر سفارت، ماموران دیپلماتیک آمریکایی دستگیرشده در آن نگهداری می‌شدند و سال‌ها درگیری دیپلماتیک را برای جمهوری اسلامی رقم زد؛ اما همواره ایران به خاطر جلوگیری از دخالت و نفی سلطه آمریکا افتخار می‌کند.

سی‌ودو سال از تسخیر سفارت آمریکا می‌گذرد که من این وصف را درباره جایی نوشتم که قبل از سفارتخانه ایالات متحده آمریکا بود، بعداً به «لانه جاسوسی» تغییر نام داد. اما اتفاقات این مکان در کارنامه ننگین سلطه‌گری و مستکبری آمریکا خواهد ماند و افتخاری برای استکبارستیزی ایران و نفی سلطه آن خواهد بود.

ساختمان ساخته شده است که کاربری آنها از سالن اجتماعات گرفته تا رستوران و نمازخانه است.

ساختمان اصلی از نظر معماری دست نخورده باقی مانده است، با فاصله از درب اصلی اما همچنان نزدیک به خیابان، باغچه زیبایی با درختانی بلند این ساختمان را به دیوارهای کوتاه سفارت وصل می‌کند. محیط سفارت البته همین فضای سبز را ندارد. پر است از درختان بلند و بوته‌های بلند و کوتاه. اگر این فضا را کنار جوی آبی که از میانه سفارت می‌گذرد قرار دهیم می‌فهمیم اینجا خود، یک باغ قلهک دیگر است.

برخی شنیده‌ها حاکی از این است که از زیر سفارت تا میدان امام خمینی و موزه عبرت تونلی بوده است. از این تونل برای انتقال زندانیان سیاسی مهم به اینجا و بازجویی و... استفاده می‌شد و گفته می‌شود که سولیوان هم از همین راه فرار کرده است. هر چند نمی‌توان این شنیده‌ها را تایید کرد اما باید گفت نمی‌توان خیلی هم به آن بی‌اعتماد بود.

ساختمان اصلی سفارت سه طبقه دارد. دو طبقه اصلی و یک طبقه زیرزمین که البته خیلی هم نمی‌توان به آن زیرزمین گفت. برای ورود به این ساختمان، هم می‌توان از در مقابل خیابان اقدام کرد و هم از در پشتی. به نظر می‌رسد در پشتی صرفاً برای استفاده کارکنان

معمار ساختمان این سفارت را در سال ۱۹۴۸ ساخت شخصی به نام وان در گراکت وان بود، همین شخص سفارت آمریکا در ترکیه را نیز طراحی کرده بود. طرح ساختمان به دلیل شباهت به طرح دبیرستان‌های آمریکایی در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ آمریکا توسط کارکنان آن هندوراس‌های لقب گرفت.

هندرسون‌های در انگلیسی-آمریکایی عامیانه به معنای دبیرستان هندرسون و لویی هندرسون سفیر آمریکا در سال ۱۹۵۱ در زمان پس از ساخت آن بود. امروزه ساختمان‌های جدید در داخل محوطه سفارت ایجاد شده و بیشتر ساختمان‌های سفارت تغییر کاربری داده‌اند. ساختمان دوطبقه محل زندگی سفیر آمریکا به محلی دست‌نخورده و متروکه تبدیل شده است. برخی از ساختمان‌های قسمت شمالی سفارت تبدیل به سالن‌های ورزشی شده‌اند. یکی از ساختمان‌های نیمه جنوبی سفارت نیز به کتابفروشی تبدیل شده است. بر روی دیوارهای سفارت نیز شعارنویسی‌هایی با مضامین مرتبط با انقلاب ایران و نفی آمریکا دیده می‌شود.

در زمان جنگ ایران و عراق این مجموعه به سپاه پاسداران واگذار شد و از جمله مراکز آموزشی نظامیان جنگ بود. امروزه به عنوان ساختمان مرکزی بسیج دانشجویی کشور می‌باشد.

سفارتخانه از سال ۱۳۵۸ تغییرات بسیاری کرده است. بخشی از قسمت شمالی سفارت در حال حاضر تبدیل به باشگاه ورزشی شده است و در بخش جنوبی هم کتابفروشی تاسیس شده است. دیوارها البته فرق اساسی با قبل پیدا کرده و روی آنها شعارهای انقلابی و ضد آمریکایی نوشته شده است.

این دیوارها اغلب سوژه‌ای برای عکاسان و فیلمبرداران خارجی مستقر در تهران هستند تا با نشان دادن آنها به موضوع رابطه ایران و آمریکا بپردازند. از این نمای بیرونی که بگذریم داخل سفارت تغییرات دارد. تعدادی سوله و



صادق عباسزاده
دانشجوی حقوق

ارزیابی عملکرد تحولی صداوسیما



اما تابو شکنی‌های صداوسیما به این‌ها ختم نشد و در پوشش ماجرای انتصاب داماد شهردار تهران نیز کاملاً مشهود و مشخص بود. این پوشش دقیق و بدون سانسور بر فشار رسانه‌ای این ماجرا افزود؛ طوری که نهایتاً حکم انتصاب ملغی شد. در ادامه مسیر اصلاح به اخبار و موضوعاتی مثل تعارض منافع، شفافیت آراء، استخدام ۶۰ نماینده مجلس، قانون از کجا آورده‌ای، انحصار طلبی پزشکی، نقد وزیر بهداشت، مناظره مخالفان و موافقان واکسن و... که معمولاً جایی در سفره خبری و محتوایی صدا و سیما نداشت اشاره شد. چند اقدام دیگر هم از سوی شخص رییس صداوسیما مثل حضور در جمع مردم خوزستان و صحبت‌های عدالت خواهانه نشان از عزم ریاست این نهاد بر تحول داد. اما همچنان رویه‌های نادرستی باقیست که جذب و جلب اعتماد مردم ممکن نیست مگر با اصلاح این موارد.

یران گل و بلبل

در سال‌های گذشته صداوسیما [...]

مدیریت رییس جدید صداوسیما نیست. اما در همین مدت کوتاه هم می‌توان به نشانه‌های امیدوار کننده‌ای اشاره کرد. در ماجرای اختلال سوخت، انتظار مخاطبان تعبیری پیروزمندانه از مشکلات گسترده پمپ بنزین‌ها بود و یا نهایتاً تیتری با عنوان: «و بشنوید از بهبود وضع آب و هوا و ترافیک بخاطر مصرف کمتر بنزین» اما چیزی که مشاهده شد گزارش‌های میدانی بود که در کنار مردم و نه در موضع بالاتر به این موضوع پرداخت. این گزارش‌ها از چند جهت قابل توجه بود: اول، وقوع حادثه سرتیتر اخبار بود نه عنوانی در تیترهای آخر خبر. دوم، گزارش‌هایی مشروح ارائه شد به شکلی که تقریباً نیاز مخاطب را نسبت به دانستن کلیت موضوع برطرف کرد. سوم، پوشش خبر به موقع صورت گرفت و پخش آن با تاخیر چند ساعته همراه نبود. همه این‌ها باعث شد که در این غائله مرجع اول صدا و سیما باشد و دیگر رسانه‌های خارجی و گاهاً معارض حرفی برای گفتن نداشتند.

در روزهای گذشته طبق معمول منتظر بودیم تا خبرهای دسته اول و مهم مملکت را باز هم در فضایی غیر از صداوسیما ببینیم و بشنویم. اخباری مثل اختلال در سامانه پمپ بنزین‌ها و یا جنجالی‌تر از آن خبر انتصاب داماد شهردار اصولگرایی تهران به سمت مشاورش. این نوع خبرها معمولاً یا از رسانه‌های خارجی یا از فضای مجازی یا دست آخر از خبرگزاری‌های داخلی و روزنامه‌ها پیگیری می‌شد و تقریباً کسی انتظار نداشت که صداوسیما به شرح و تفصیل این مسائل بپردازد. در ادامه این رویکرد تحولی صدا و سیما را بررسی کرده و راهکارهایی برای بهبود وضعیت کنونی ارائه می‌کنیم.

صداوسیمای واقعی

هنوز باید کمی بگذرد تا اعتماد از دست رفته بخش عظیمی از جامعه نسبت به مهم‌ترین نهاد رسانه‌ای رسمی کشور بازگردد. هنوز نیاز است تا به صورت دقیق ثابت شود که تغییر و تحولی در راه است و این اتفاقات محدود به روزهای اول

ادامه از صفحه چهار [ارزیابی عملکرد تحولی صدا و سیما]

همواره جامعه‌ای را به نمایش گذاشته که با واقعیت فاصله دارد. گفتن از جامعه‌ای که همه چیز در آن گل و بلبل است در حالی که مردم با هزاران مسئله و مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند اعتماد مردم نسبت به این رسانه را کم کرده است. در کنار این مدام گفتن از بدبختی‌ها و بلاهای ریز و درشت دولت‌ها و کشورهای دیگر و نگفتن از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های آنها و نگاه سیاه مطلق به کشورهای پیشرفته از دیگر موارد کم اعتمادی به صداوسیما است. نهایتاً در یک جمله: مهم نشان دادن اخبار بی‌اهمیت و بی‌اهمیت نشان دادن اخبار مهم کشور یکی از چالش‌های بزرگ رسانه ملی در سال‌های گذشته بوده که باعث می‌شود مردم هر روز اعتماد باقیمانده را از صداوسیما از دست بدهند. همه اینها یعنی صداوسیما در کنار مردم نیست، صداوسیما چیزی را روایت می‌کند که با زندگی واقعی مردم قرابتی ندارد.

مردم نامحرم

رو راست نبودن با مردم، بین آنها و

صداوسیما فاصله انداخته است. بسیاری از مشکلات در صداوسیما که ریشه آنها هنوز مشخص نیست و مهم‌تر از آن هیچ‌کس در این سازمان بزرگ پاسخگوی این حجم عظیم از مخاطبان نیست. (البته منظور از پاسخگویی یک مقام رسمی دولتی نیست منظور پاسخگویی واقعی به مردم است.) هنوز کسی به سوالات بی‌شمار منتقدان صداوسیما و مردم اهمیت نمی‌دهد. هر تصمیمی که بناست گرفته شود لازم است جزئیات آن با مردم در میان گذاشته شود تا مردم حس نامحرم بودن نداشته باشند. واقعاً هنوز دلایل حذف یا جدایی فردوسی‌پور، حیاتی و... از صداوسیما از جانب مقامات آن سازمان بیان نشده است. و اما سانسور و فیلتر که چند سالی است پای ثابت سریال‌ها، مسابقات ورزشی، اخبار و... است. سانسورهایی که دستمایه خنده همگان است و بیشتر از همه توهین به شعور ملتی فهیم است که مخاطب این اشتباهات صداوسیما هستند که در نوشته‌های دیگران به شرح و

تفصیل درباره آن صحبت شده است. **تک‌صدایی سیاسی** تک‌صدایی سیاسی یکی دیگر از مشکلات بزرگ در سازمان صدا و سیما است که داد‌نخبگان علمی کشور، رجال سیاسی ایران و احزاب و جناح‌ها را هم درآورده است. دیگر کسی صداوسیما را بعنوان بی‌طرف مناظره‌ها نمی‌شناسد. دیگر صداوسیما محلی برای آشکار شدن آزادی بیان و آزادی عقیده در بین جامعه نخبگانی نیست و این اتفاق باعث شده که تنور خبرهای سیاسی اجتماعی رسانه‌های بیگانه خیلی داغ‌تر از گذشته شود و نمادی شود برای آزادی بیان در حالیکه می‌توان بهتر از آن را در صداوسیما اجرا کرد و می‌توان بهترین بسترهای آزادی بیان را در اختیار نخبگان، منتقدان و مخالفان گذاشت. مدیران صداوسیما باید بدانند تحول، تغییر و جلب اعتماد مردم در حدّ ادعا است؛ مگر ملموس، ادامه‌دار و مستمر باشد.

#خط_توئیت



سید سعید لواسانی
@lavasani_13

آنچه از **#عدالت‌خواهی** و مبارزه با فساد مهم‌تر است، مشارکت و شراکت **#مردم** در مطالبه عدالت و مبارزه با فساد و همه آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است. بدون حضور کارساز مردم، سخن‌گفتن از عدالت امکان ندارد. بنابراین از کارکردهای روحانیت و مساجد و نمازجمعه حلقه واسط بین مردم و ارزش‌هاست.

Translate Tweet

10:30 AM · 07 Nov 21 · Twitter for Android



احمد نادری
@Ahmadnaderi_ir

ابرقدرتی که زمانی دولت‌های منطقه را با اشاره انگشت جایجا می‌کرد، با قدرت انقلاب اسلامی ایران، امروز به قدری حقیر شده که حتی در سرقت یک نفتکش هم عاجز است. تحقیر تاریخی آمریکا نتیجه اقتدار تاریخی ایران **#ازآبان۵۸_تاآبان۱۴۰۰** است.

خداقوت به دلاوران سپاه

Translate Tweet

2:11 PM · 03 Nov 21 · Twitter for iPhone